

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Historical

تاریخی

نویسنده : واسیلی متروخین  
مترجم : احمد ضیاء رهگذر  
۱۲.۰۴.۰۹

## ک . ج . ب . در افغانستان

### فرزند چیکا

ارگانهای امنیتی افغانستان با شهادت و مجاهدت مجذوب آموزشی شده بودند که از "ک . ج . ب ." به دست آورده بودند. ارگانهای امنیتی افغانستان در سال ۱۹۸۰ همه یکسان بازسازی گردیدند.

شعبات اداره امنیت دولتی ( خاد ) به همه بیست و نه ولایت، همه ولسوالیها و قشلاکها فعال بود. تعداد کارمندان آن اداره از هفتصد تن در جنوری سال ۱۹۸۰ به یکهزار و ششصد و پنجاه تن در سال ۱۹۸۲ افزایش یافته بود که از آنجمله پنجاه و شش فیصد آنرا اعضای "ح.د.خ.ا." و بیست و هشت فیصد آنرا اعضای "سازمان دموکراتیک جوانان" تشکیل میداد که مربوط ۶۳ ناحیه حزبی میشد. کارمندان خاد تعلیمات مسلکی را در اتحاد شوروی و مرکز تعلیمی در کابل فرا میگرفتند. اداره امنیت دولتی متشکل بود از یازده بخش اوپراتیفی، یک مدیریت سیاسی، یک مدیریت ملکی و یازده شعبه حمایتی.

بیرک در سال ۱۹۸۱ رضایت زیادش را از کارکرد های "ک . ج . ب ." در "ح.د.ا." اعلام نمود. او اظهار نمود که احترام بی حد زیادی به اندروپوف رئیس "ک . ج . ب ." داشته و "ک . ج . ب ." تحت امر نامبرده سهم بزرگی را در ایجاد نظام جمهوری دموکراتیک افغانستان و دفاع از دستاوردهای انقلاب ثور بازی نموده است. "ک . ج . ب ." توانسته است برای اولین بار در تاریخ افغانستان چنین یک اداره امنیتی را ایجاد نماید که در سراسر کشور و در بین همه اقشار جامعه فعال باشد.

"خاد از سطح پاینتر از صفر به فعالیت آغاز نمود".

بیرک در ماه می سال ۱۹۸۲ در یک جلسه اوپراتیفی با تعدادی از افسران بلند پایه و کارمندان اوپراتیفی اظهار داشت " خاد به یک نیروی واقعی رزمی در مقابل دشمنان انقلاب مبدل شده است".

در گذشته وظیفه اصلی ارگانهای امنیتی را مبارزه مسلحانه علیه شورشیان تشکیل میداد. اکنون اکثراً آنها مشغول اجرای فعالیتهای اوپراتیوی، اجنتوری میباشند و تعداد اجنتها در شبکه های اجنتوری به ۹۵۰۰ تن میرسد. در شهر کابل "عملیات پاکسازی" به شکل منظم اجرا میگردد. به همین دلیل دو صد و شصت و نه گروپ عملیاتی تشکیل گردیده بود که در چوکات آن هشت هزار و دو صد و چهار تن از قوای مسلح، یک هزار و سه صد و نود و دو تن از خاندوی، پنجصد و چهار تن از خاد و اضافه تر از یک هزار و هفتصد تن از فعالان حزبی مشغول اجرای عملیات پاکسازی بودند. تعداد منازلی که از دوم الی هشتم فبروری سال ۱۹۸۱ تلاشی شده بود به نه هزار و ششصد منزل میرسید. در جریان این عملیاتها به تعداد چهار هزار و پنجصد و هفتاد و هفت تن جوان که از خدمت سربازی مخفی شده بودند گرفتار گردیده به مراکز سوق اعزام شدند. هفتاد و یک تن به شمول پنج تن مربوط به یک سازمان طرفدار چین به نام " وطنپرستان دوستدار آزادی "[۱] اسم اصلی این سازمان "سازمان وطن پرستان واقعی بوده، هیچ نوع رابطه با چین نداشتند - ویراستار فارسی] به شمول پنج تن از اعضای سازمان شیعه " نصر " دستگیر شدند. همچنان اسناد عضویت پنج هزار تن مربوط به حزب اسلامی<sup>۱</sup> گلبدین حکمتیار نیز به دست آمد. متعاقباً یک شبکه پنجصد نفری حزب اسلامی گلبدین حکمتیار که در شهر کابل فعالیت میکرد کشف گردیده تحت نظارت قرار گرفت. در میان اعضای این شبکه به تعداد یکصد و بیست و هفت تن از پرسونل قوای مسلح موجود بود. در جریان عملیات تصفیوی آرشیف سازمان مائویستی "پیکار" نیز به دست آمده اعضای آن دستگیر گردید.

رهبر گروه مخفی " جامعه اسلامی افغانستان " نیز دستگیر گردید. موصوف در جریان بازجویی اسماهی هشتصد و بیست و پنج تن را افشا ساخت. دوازده تن از رهبران این حزب دستگیر گردیده به حلقه مخفی این سازمان رخنه صورت گرفت.<sup>۱</sup>

عملیات عالمگیر (حامل شمشیر) به تاریخ دوم مارچ اجر گردید. یک فروند طیاره مربوط شرکت هوانوردی دولتی پاکستان توسط یک گروپ تروریستی پاکستانی در جریان پرواز به صوب آلمان غرب اختطاف گردیده و به میدان هوایی کابل نشست نمود. رباینده ها تقاضای رهائی همه زندانیان سیاسی موجود در پاکستان را مینمودند. رهبری این گروه تروریستی را مرتضی بوتو<sup>۲</sup> به عهده داشت. او قبل از این اقدامش به کابل آمده بود و با نجیب الله رئیس خاد ملاقات نموده بود. آنها روی شیوه های مبارزه علیه دولت پاکستان بحث و گفتگو نموده و در اواخر سال ۱۹۸۰ روی اختطاف نمودن یک فروند طیاره با هم به توافق رسیده بودند. نجیب الله در جریان شب ۳/۲ مارچ شخصاً در حالیکه لباس کارمند میدان هوایی را به تن داشت در زینه های طیاره با بوتو ملاقات نمود. ریزیدنسی و نماینده گی "ک. ج. ب." توصیه های لازم را به نجیب الله در مورد

<sup>۱</sup> حزب اسلامی افغانستان، یکی از قویترین و افراطی ترین گروه های مقاومت بود که توسط پاکستان حمایت میگردد. ویرایشگر

<sup>۲</sup> پیک گروپ طرفدار چین در شهر مزار شریف کشف و سرکوب گردید. (مؤلف)

مرتضی بوتو فرزند ذولفقار علی بوتو رئیس جمهور پاکستان بین سالهای ۱۹۷۱ و ۱۹۷۳ و صدراعظم آنکشور در سالهای ۱۹۷۳ - ۱۹۷۷. ذولفقار علی بوتو توسط نظامیان آنکشور نخست برکنار و بعداً اعدام گردید. (ویرایشگر).

اینکه چگونه باید از وضع موجود بهترین استفاده سیاسی را علیه پاکستان نماید، داده بودند. بگو تو تقاضا نمود تا سه تن از اعضای سازمان الذولفقار نیز با آنها یکجا شود.

به تروریست‌ها مبلغ چهار هزار و پنجاه دالر همراه با مواد منفجره ساعتدار، سه میل کلاشینکوف با گلوله های آن و چهار عدد بم دستی داده شد. در عین زمان ضیال‌الحق<sup>۳</sup> از برژنف تقاضا نمود تا دولت افغانستان را تشویق نماید تا مسافرین و طیاره را [از جنگ ربایندگان] رها سازد. تبلیغات شدیدی درباره رژیم تروریستی پاکستان به راه انداخته شد.

تصمیم گرفته شد تا طیاره مذکور بعد از موافقت تریپولی [پایتخت لیبیا] به کشور لیبیا پرواز نماید. قذافی<sup>۴</sup> وعده نمود تا به ربایندگان طیاره پناهندگی داده، مسافرین طیاره را در اردوگاه جابه جا نماید. قبل از اینکه طیاره جانب لیبیا پرواز نماید به مسافرین زن اجازه داده شد تا طیاره را ترک گویند. طیاره مذکور بعد از گرفتن مواد سوخت کابل را ترک گفت.

در فیروزی سال ۱۹۸۲ گروه مخفی "سازمان رهایی" با مطبوعه و دستگاه رادیویی آن از بین برده شد. این سازمان ارتباطات وسیعی با استادان، شاگردان و مامورین دولت در پایتخت و سایر شهرها داشت. در این ارتباط جمعا یکصد و سی تن: سی و یک افسر، شصت و هفت معلم، هفت معلم، سیزده کارگر، نه تاجر و ده تن از منصوبین قوای مسلح دستگیر گردیدند.

خاد در جریان شش ماه اول سال ۱۹۸۲ در ۷۵۰ عملیات بزرگ و منطقه بی که علیه شورشیان راه اندازی شده بود اشتراک نمود.

بالاتر از ۴۵۰ حمله هوایی و زمینی که بر پایگاه های شورشیان صورت گرفته بود براساس معلومات اجنتوری بود که خاد به دست آورده بود. در جریان این عملیات ها سه صد کمیته گروه های شورشی از بین برده شده و بتعداد شش هزار تن شورشی دستگیر گردید.

یکی از خصوصیت‌های فعالیت خاد این بود که تلاش به خرج میداد تا گروه های شورشی منحل گشته از جنگ دست بردارند. در نتیجه فعالیت‌های خاد دوصد و پنجاه گروه شورشی سلاح‌های شانرا به زمین گذاشته و در چوکات پنجاه گروه دفاع خودی تنظیم گردیدند. همچنان خاد با سرکرده های یکصد و شصت و دو گروه دیگر سرگرم مذاکره بود. "ک. ج. ب." علاقه زیادی به ایجاد "باند های دروغین" داشت. این باند ها طوری وانمود میکردند که گویا گروه های مسلح دشمن<sup>۱</sup> اند ولی در حقیقت آنها علیه گروه های واقعی مجاهدین عمل نموده در هر فرصت مناسب به قتل و کشتار مجاهدین میپرداختند. این باند های دروغین گروه های مختلف شورشی را تحریک نموده و در صورت ضرورت طوری وانمود میکردند که میخواهند از جنگ دست بردارند و به این ترتیب به دولت می پیوستند. در ماه

۳

محمد ضیا الحق لوی درستیز و بعداً بین سالیان ۱۹۷۸ و ۱۹۸۸ رئیس جمهور پاکستان. (ویرایشگر).

۴

معمار القذافی. از سال ۱۹۷۰ به اینطرف رئیس جمهور کشور لیبیا. (ویرایشگر).

۱

اصطلاح دشمن بار اول به گروه های چریکی مخالف مسلمان در اتحاد شوروی در دهه ۱۹۲۰ بکار برده شد. (ویرایشگر).

اکتوبر سال ۱۹۸۲ به تعداد هشتاد و چهار گروه از این نوع وجود داشت و قرار بود دو گروه دیگر تا جنوری سال ۱۹۸۳ تشکیل گردد.

در سال ۱۹۸۲ اضافه تر از یک هزار و پنجاه تن از اعضای سازمانهای مختلف مخفی دستگیر گردیدند. دو صد گروه ضد دولتی از بین برده شد، یکصد و هفتاد گروه افراطی چپی خلع سلاح گردید. ضمناً تظاهراتی که در ارتباط به چهارمین سالروز انقلاب ثور و اعیاد مذهبی برنامه ریزی شده بود، برهم زده شد. بیست و هفت گروه تروریستی مشتمل بر سه صد تن نیز از بین برده شد.

در نواحی تحت کنترل دولت به تعداد دو صد گروه دفاع خودی تشکیل گردید. تعداد اجنت هائی که توسط ادارات محلی خاد برای رخنه نمودن به درون گروه های شورشی از آن استفاده میگردید در سه ماه اول سال ۱۹۸۳ از هشتصد تن تجاوز مینمود. بر مبنای معلومات به دست آمده از طریق این افراد، یکصد و چهل حمله هوائی و سه صد و شصت حمله زمینی صورت گرفته بود.

در راستای بهتر ساختن فعالیتهای قوای سرحدی نیز تلاشهایی توسط "ک. ج. ب." به خرچ داده شد. تعداد قوای سرحدی تا سال ۱۹۸۳ به بیست و هفت هزار و هفتصد و پانزده تن افزایش یافته بود که البته این رقم چهل و سه اعشاریه هفت فیصد تمام قوای مسلح را تشکیل میداد. تناسب تعداد پرسونل قوای سرحدی در برابر یک اردوی منظم ۱/۳ بود.

جهت تکمیل پرسونل قوای سرحدی یک کمیسیون ویژه مرکب از اعضای کمیته مرکزی "ح.د.خ.ا." و نیروی سیاسی تشکیل گردیده بود ولی با وصف موجودیت این کمیسیون نصاب قوای سرحدی به دلیل فرار زیاد سربازان هیچگاه تکمیل نگردید. به طور مثال در سال ۱۹۸۲ دو هزار تن از مجموع پنجاه هزار و ششصد تن که جدیداً و به شکل اجباری شامل قوای سرحدی ساخته شده بودند ترک خدمت نموده، فرار کردند.

در نظر بود تا تعداد ده لوی سرحدی با دو صد و هفت دستگاه کشفی نقشه بردار و یکصد و چهل و پنج هاوان تشکیل گردد. از جمله یک هزار و هفتصد سی و دو افسر این قوا یک هزار و سه صد تن شان اعضای "ح.د.خ.ا." بوده بالاتر از صد تن در اتحاد شوروی تحصیل نموده بودند.

بخش استخبارات نظامی خدمات مؤثری برای قوای مسلح انجام میدهد. در سال ۱۹۸۱ استخبارات نظامی با پنجاه و شصت عضو توانسته بود سه هزار و هشتصد و سی و هشت اجنت و پاسپان را تحت نظارت قرار دهد. در نتیجه همکاری بخش استخبارات نظامی به تعداد دو صد و پنجاه و شش گروه مخفی با هژده هزار عضو آن کشف گردیده پنجاه اجنت دشمن شناسایی گردید.

نماینده های "ک. ج. ب." ملاحظه نموده بودند که در اردو و قوای سرحدی به تعداد زیادی از حامیان اخوان

المسلمین، ستم ملی<sup>۱</sup> و شعله جاوید<sup>۲</sup> وجود دارد که موجودیت این افراد بالای نظم و دسپلین در اردو و قوای سرحدی تاثیر منفی میگذاشت.

در این هنگام تعداد پرسونل پولیس به هفتاد و پنج هزار تن میرسید که این رقم باید در سال ۱۹۸۳ به هشتاد و پنج الی نود هزار تن میرسید. البته از میان پرسونل پولیس اضافه تر از پنج هزار تن افسر و ضابط در اتحاد شوروی آموزش دیده بود.

خارندوی در سال ۱۹۸۲ چهار هزار عملیات را انجام داده و در یک هزار عملیات مشترک با اردو اشتراک نموده بود. ادارات (استخباراتی) برای تأمین امنیت در تعطیلات رسمی با علاقه خاصی آمادگی میگردیدند. به طور مثال برای پنجمین سالروز کودتای ثور در پایتخت، اطراف پایتخت و در مسیر راه هائیکه بیم آن میرفت تا دشمن از آن راه ها استفاده نماید، اقدامات پیشگیرانه توسط ادارات استخباراتی اتخاذ گردیده بود. به همین منظور عملیات پاکسازی نیز در دوازده ناحیه شهر و حومه آن اجرا گردیده بود.

به علاوه اینها یازده گروه عملیاتی مخفی مشتمل بر ۵۰ تن، با ۳۰ گروه برای کمین مشتمل بر ۲۰ تن ایجاد گردید. افراد ناشناس و مشکوک به شکل شبانه روزی در نقاط مختلف پایتخت دستگیر میگردیدند. برای بزرگداشت از پنجمین سالروز کودتای ثور تدابیر اضافی امنیتی توسط ارگانهای امنیتی از تاریخ بیست و یکم اپریل الی دهم می اتخاذ گردیده بود.

گرمه بیست و چهار ساعته را خارندوی با تعداد هفت هزار تن انجام میداد که البته این رقم تقریباً سه برابر رقم عادی بود. گروههای مسلح سیار در تمام نواحی در حالت آماده باش قرار گرفته بودند. خارندوی غرض تحت نظارت قرار دادن نقاط و محلاتیکه از آنجا امکان پرتاب راکت و سلاح ثقیله به منطقه جشن در هنگام اجرای رسم گذشت نظامی و یا مارش موجود بود، پُسته های نظارتی را ایجاد نموده بود.

خاد نیز به نظارتش از محلات و راه هائیکه توسط خارجیها مورد استفاده قرار میگرفت، افزود. متخصصین مدیریت نهم "ک. ج. ب." که تجربه حراست از رهبران کریمین را داشتند وظیفه محافظت از رهبران افغان را عهده دار گردید.<sup>۳</sup>

در سال ۱۹۸۱ برای نخستین بار در "ج.د.ا." به تقلید از مدل شوروی کار اجباری بالای زندانیان اجرا گردید که مفاد آن در سال اول به سی میلیون افغانی بالغ میگردد.

<sup>۱</sup> ستم ملی یک گروه مارکسیستی ضد قوم پشتون. (ویرایشگر).

<sup>۲</sup> شعله جاوید یک گروه طرفدار چین، تحت رهبری دوکتور رحیم محمودی که با نظام خلقی مخالفت ورزیده یک گروه مجاهدین را ایجاد نمود. (ویرایشگر). [خلاف توضیح ویرایشگر انگلیسی شعله جاوید یک جریان روشنفکری بین سالهای ۱۳۴۷ الی ۱۳۵۲ بود که در زمان کودتای ثور به احاد خود تجزیه شده به علاوه آنکه کمترین تماسی باچین نداشت هیچ نقش هم در مقاومت مسلحانه نداشت]-ویراستار فارسی

<sup>۳</sup> "ک. ج. ب." در سال ۱۹۸۲ دستوری را عنوانی همه رسانه های گفتاری و نوشتاری صادر نمود و بر مبنای این دستور ذکر سهیم بودن "ک. ج. ب." در امر حراست و نگهداری نظم و امنیت در جریان تظاهرات، مراسم رسم و گذشت، میتنگ ها و همچنان حراست از از نمایندگی های دیپلماتیک، توسط رسانه ها ممنوع اعلام گردید. (مولف).

زندانیان زندان پلچرخ<sup>۴</sup> توانسته بودند که به تعداد شصت و یک هزار عدد یونفورم و زیر لباسی برای پرسونل اردو و پولیس تولید نمایند.

در چوکات خاد یک شعبه خاص به نام "فدا" یا شعبه اطلاعات خارجی ایجاد گردید که برای پوشش هویت واقعی، این اداره را به نام ریاست ده مسمی نمودند. این ریاست از چهارده مدیریت در مرکز و ده شعبه در چوکات ریاستهای خاد در ولایات هم مرز با ایران و پاکستان در ولایات هرات، فراه، کندهار، خوست، جلال آباد، کندز، هلمند، زابل، نیمروز و پکتیا، تشکیل گردید. همچنان در تشکیل این ریاست یک شعبه که با قبایل و عشایر سر و کار داشت و یک شعبه "غیر قانونی" نیز وجود داشت. تعداد افراد موجود در بخش استخبارات در ماه جون سال ۱۹۸۱ به سیصد و هفتاد تن میرسید. اعضای استخبارات را اعضای اعتمادی "ح.د.خ.ا." که در اتحاد شوروی تحصیلات ویژه ای را فرا گرفته بودند تشکیل میداد. لینین گفته بود "یک کمونیست خوب یک چکیست خوب نیز است" [عضو چیکا یا سازمان استخباراتی شوروی که بعداً به "ک.ج.ب." مبدل گردید. مترجم].

همچنان در نواحی سرحدی پسته های استخباراتی ایجاد گردیده بود. این پسته ها تحت پوشش وزارت اقوام و قبایل فعالیت داشتند و در هر کدام سه تا چهار تن موجود بود. رئیس این شعبه احمد شاه پایا فرزند غلام حیدر بود که آموزشهای استخباراتی را در تاشکند گذرانده بود.

هدف از ایجاد سازمان استخبارات [خاد] سازماندهی و انکشاف کارهای استخباراتی علیه ایران، پاکستان و کشورهای دیگر کشور ها، جمع آوری اطلاعات راجع به افغانهای که به خارج از کشور هجرت نموده بودند، جمع آوری اطلاعات درباره سازمانهای استخباراتی امریکا، چین و کشورهای اسلامی و بالاخره ایجاد ریزیدنسی ها در خارج بود.

یکی از مشاورین در بخش استخبارات آ.م. لیزنین (اسم رمزی: یوری)<sup>۱</sup> بود. نامبرده ایران شناس بود و بین سالین ۱۹۶۴ و ۱۹۶۹ در آنکشور ایفای وظیفه نموده بود.

پاکستان توسط مدیریت اول این ریاست و ایران توسط مدیریت دوم تحت پوشش قرار میگرفتند. همچنان در شهر های کویته، پشاور، اسلام آباد، دهلی، بمبی، تهران، مشهد، بُن، انقره، کویته، کراچی و چمن ریزیدنسی ها ایجاد گردید. ارتباط بین این ریزیدنسی ها با کابل از طریق ریزیدنسی های شوروی تأمین گردیده آنها از شفر روسی استفاده میکردند.

تعداد اجنت ها در بخش اجنتوری به سیصد و پانزده تن و تعداد کار آموزان به دو صد و پنجاه تن میرسید. در پاکستان تعداد اجنت ها به یکصد و هفت و تعداد کار آموزان فعال به یکصد و پانزده تن میرسید. در کشور ایران این رقم به ۳۹ اجنت و ۷۳ کارآموز میرسید. ۲۶ اجنت به دفتر مرکزی سازمانهای اسلامی مخالف دسترسی داشتند.

۴۸ اجنت در میان مهاجرین افغان موجود بود. همچنان به تعداد ۱۵ افسر، پرسونل نظامی و کارمندان سازمان استخبارات پاکستان نیز جذب گردیده بودند.

۴

زندان پلچرخ در در جوار دریای کابل در شرق کابل موقعیت دارد. این زندان که در زمان داود ساخته شده است براساس مدل آلمان غرب ساخته شده است. (ویرایشگر).

۱

A.M. Lezhnin (Yuri)

هشت تن از کارمندان خاد توانسته بودند مورد اعتماد شورشیان قرار گرفته به درون مراکز و ادارات سازمان های شورشیان در پاکستان نفوذ کنند. خاد توانسته بود در حلقه رهبری قبایل در ایالت شمالغرب و بلوچستان پاکستان نفوذ نماید. آنها از اینطریق توانستند با رهبری اقوام افریدی، مهمند، باجور و توری تماس برقرار نمایند. در میان قبایل آزاد ۱۵ گروه اجنتوری مشتمل بر ۴۵۵ تن فعالیت داشت. آنها مشغول ماموریت‌های ویژه ای بودند که البته این موضوع از جمله اسرار نهایت محرم دولتی شمرده میشد.

خاد کانالهایی را به دست آورد که میتوانست توسط آنها به مراکز اصلی شورشیان افغان، مراکز تعلیمی آنها و سازمانهای استخباراتی پاکستان و ایران نفوذ نماید. خاد مامورین استخباراتی و اجنتها را تحت نام زیارت کننده های خانه خدا با اسناد مربوط به حجاج جهت اجرای وظایف میفرستاد. آنها با خریداری پاسپورت‌های خارجی طوری وانمود میکردند که برای کمائی نمودن پول به عربستان سعودی رفته اند.

در پاکستان از یک کمیته وطنپرستان مهاجر به عنوان پوشش استفاده صورت گرفته اوراق و کستها با استفاده از نام همین کمیته در داخل پاکستان پخش میگردد. این کمیته به افشاگری مولوی نبی<sup>۱</sup>، صبغت الله مجددی<sup>۲</sup> و گلبدین حکمتیار پرداخته ایشانرا متهم به همدستی با کشور های مرتجع اسلامی و ضدیت با منافع ملی مردم افغانستان میساخت.

میگویند " تفرقه بینداز و حکومت کن " و به همین منظور تدابیری در جهت ایجاد تشنج در میان گروه های [شورشی] اتخاذ گردید. در اواخر سال ۱۹۸۰ به تعداد هشتصد ورق تبلیغاتی علیه گلبدین حکمتیار<sup>۳</sup> که گویا توسط نبی محمدی رهبر انقلاب اسلامی افغانستان بزبان پشتو نوشته شده بود به کمپ های مهاجران بارسکو<sup>۴</sup> و کچه گری در شهر پشاور پخش گردید. در عین زمان یک نامه که گویا توسط یکی از اعضای حزب اسلامی افغانستان نوشته شده بود به دفتر مرکزی محمد نبی رسانیده شد. در این نامه به نبی اطلاع داده شده بود که گلبدین حکمتیار قصد ترور او را دارد.

"ک. ج. ب. " یک یادداشت از یک روزنامه و یک نامه شخصی گلبدین حکمتیار را، جعل نمود. این نامه گویا از طرف حکمتیار عنوانی یکی از قومندان های یکی از جبهات حزب اسلامی افغانستان فرستاده شده بود. این نامه به موقف حکمتیار نزد رهبران مجاهدین و مقامات پاکستانی لطمه وارد مینمود.

به تاریخ اول جنوری سال ۱۹۸۱ به تعداد بیست هزار برگه که پانزده هزار آن به زبان پشتو و پنجهزار آن به زبان دری نوشته شده بود در پنجاه و نه محل در میان مهاجران افغان در پاکستان و ایران پخش گردید. این برگه ها حاوی پیام دولت "ج.د.ا" مبنی بر عودت دوباره مهاجران به کشور شان بود. کار پخش این برگه ها توسط ۳۷ اجنت صورت گرفت. اقدامات ویژه ای توسط ۱۱ گروه رزمی "فدا" انجام یافت که در واقعیت نظرات امین و

<sup>۱</sup> مولوی محمد نبی محمدی رهبر یکی از گروههای مقاومت ه نام حرکت انقلاب اسلامی افغانستان. ویرایشگر.

<sup>۲</sup> یکی از رهبران برجسته مجاهدین. ویرایشگر

<sup>۳</sup> گلبدین حکمتیار رهبر بنیاد گرای یکی از احزاب هفتگانه یعنی حزب اسلامی که در پشاور ایجاد شده بود.می باشد ویرایشگر.

تره کی را عملی می‌کرد. در پنجم جولای سال ۱۹۷۹ امین به اوسکادچی گفته بود یگانه راه تاثیر گذاری روی رهبری پاکستان برهم زدن اوضاع سیاسی داخلی آن کشور و برپایی آشوب در ایالت سند است. " ما میتوانیم اینکار را در ظرف سه تا چهار ماه انجام دهیم و پاکستانیها را با مشکلی روبرو سازیم که در مقایسه به آنچه پاکستانیها در اینجا انجام میدهند خیلی وخیمتر باشد. تره کی اکنون به چگونگی اجرای این طرح میاندیشد".

این نظریات بعد از آن شکل گرفت که پسر صدراعظم سابق پاکستان بوتو، همراه با اسلم بنارسی یکی از ملی گرایان شناخته شده صوبه سند و یکی از فعالین سیاسی حزب مردم پاکستان در ماه می سال ۱۹۷۹، سفری را به کابل انجام داد. او [پسر بوتو] از دولت افغانستان تقاضای دریافت کمک را در امر مبارزه علیه رژیم ضیاءالحق نموده از دولت افغانستان درخواست نمود تا برای این منظور به آنها اجازه داده شود تا از خاک افغانستان استفاده نمایند.

در اواخر دسمبر ۱۹۸۰ میر خوزار خان رهبر بلوچهای پاکستانی در افغانستان با نجیب الله ملاقات نمود. نجیب الله به موصوف و عده نمود تا به تعداد چهار صد تن آموزگار نظامی، سلاح، مهمات و یکصد و پنجاه میل کلاشینکوف را در اختیار آنها بگذارد. میر خوزار خان از مبارزه در بلوچستان و آزاد ساختن آن مایوس گشته بود. بلوچهای ساکن در کشور های همسایه سرگرم فراگیری تعلیمات نظامی در اردوگاه ها بودند.

یکی دیگر از رهبران بلوچ به اسم خیر بخش ماری، در اپریل سال ۱۹۸۲ از ببرک تقاضای کمکهای مالی و نظامی را نمود. خاد دو کمپ دیگر را نیز برای آموزش نظامی گروپهای مبارز [بلوچ] ایجاد نمود. از این گروپها باید بعداً به حیث ستون فقرات گروه های چریکی در مقابل ایران و پاکستان استفاده میشد.<sup>۱</sup>

"ک. ج. ب." مکرراً تقاضا مینمود تا آنها [دولتمردان افغان] باید مصرانه و انعطاف پذیرانه با سران اقوام و روحانیون کار نمایند زیرا سران اقوام و روحانیون در بین مردم از نفوذ زیاد برخوردار بوده و میتوانستند مردم را در جهت حمایت از دولت کابل تشویق نمایند.

"ک. ج. ب." استراتژی رزمیش را تغییر داد. در اواسط سال ۱۹۸۰ برنامه رزمی برای هدف قرار دادن قبایل خدران<sup>۲</sup> در ولایت پکتیا و مغلوب ساختن نیروهای مولوی جلال الدین [حقانی] طرح شد. این طرح در مشارکت با سکولف [ح.ک.ا.ش]، س.و.کوزلوف مشاور در امور حزبی و نماینده های "ک. ج. ب." و سفارت شوروی ریخته شد و ببرک نیز از این طرح مطلع ساخته شد. اما در ماه سپتمبر همین افراد با عملیات بزرگ نظامی مخالفت ورزیده در عوض خواستار آن شدند تا توجه بیشتر به ایجاد اختلال و مزاحمت در میان قبایل میزول گردد. علت اصلی این چرخش تعداد نامشخص قبایل و اراضی نامساعد منطقه بود. برای این منظور چهل و یک میلیون افغانی

---

<sup>۱</sup> اقداماتی که روی آن توافق صورت گرفته بود در جریان ملاقات ببرک با منشی عمومی حزب کمونیست پاکستان نازیشین امرخوان نیز مورد بحث قرار گرفت. آنها در تلاش برای یافتن بیشتر افغانهای اجیر بودند و میخواستند تا آنها را هر چه بیشتر وابسته و متکی به قوای اشغالگر [شوروی] سازند.

<sup>۲</sup> تألیف کمیته مرکزی "ح.ک.ا.ش" را تحت فشار قرار داد تا جایزه (آ.پ. ان) را به رئیس شورای علما و روحانیون "ج.د.ا." س. افغانی [سعید افغانی. مترجم] بدهد. [در اینجا ۲۵ سطر حذف گردیده است] مولف.

<sup>۲</sup> از وابسته گان پشتونهای خوستوال، مسکون در نواحی شرقی حدود [کوه] سلیمان در ولایت پکتیا. ویرایشگر



تخصیص داده شد. تعدادی سیاسیون به مناطق قبیایلی فرستاده شده و اوراق تبلیغاتی نیز از طریق هوا به ساحات مذکور پخش گردید. فیض محمد وزیر اقوام و قبایل خواست با رؤسای قبایل وارد مذاکره گردد ولی جانش را از دست داد. دولت افغانستان مولوی جلال الدین را به زیر پا گذاشتن رسوم اسلامی و مهمان نوازی و همچنان قتل یک نماینده و مذاکره کننده محکوم نمود.

خاد سرگرم مذاکره با ۳۱۵ تن از سران قبایل که از ۱۸ قبیله بزرگ نمایندگی میکردند، بود که تعداد مجموعی افراد وابسته به این قبایل به یک میلیون تن رقم زده میشد. تعدادی از قبایل کمکهای مادیرا از خاد به دست آورده بودند. به سران قبایل رشوه داده شده و گروههای مسلح برای محافظت بعضی از نواحی سرحدی افغانستان با پاکستان و ایران استخدام شدند.

اتحاد اسلامی شیعه های هزاره جات در گذشته توانسته بود شورشهای را علیه تره کی و امین به راه اندازند. آنها از نگاه نظامی یک نیروی قدرتمند شمرده میشدند که توانسته بودند کنترل ۳۴ ناحیه را در ولایات غور، ارزگان و بامیان به دست داشته باشند. خاد توانسته بود تا با علمای اهل تشیع و رهبران آنها ارتباط قایم نموده و زمینه ملاقات آنها را با ببرک مهیا سازد. در سال ۱۹۸۱ ریزیدنسی "ک.ج.ب" و مدیریت پنجم خاد توانست با (وطنپرست) یکی از رهبران نظامی هزاره جات تماس برقرار نموده با موصوف معامله نماید که نهایتاً منجر به همکاری نامبرده با دولت گردید. در بدل منحل ساختن وحدت اسلامی هزاره جات، به (وطنپرست) در دولت مقام اعطا گردید. خاد سازمان هزاره جات جوان را تحت کنترل خودش ایجاد نموده آنرا جانشین وحدت اسلامی هزاره جات نمود.

سید حسین شاه مسرور یکی از شاعران و رهبران مذهبی شیعه که در نواحی شمالی کشور شهرت داشت سیاست پشتون سازی ولایات شمالی کشور که توسط تره کی و امین به پیش برده میشد را مورد انتقاد قرار داد. او همچنان تره کی و امین را متهم به شکنجه نمودن و پامال نمودن حقوق هزاره ها نمود. نامبرده رهبری یکی از گروه های چریکی را به عهده داشت. آنطوریکه گفته اند "تجزیه نما و پیروز شو" ارگانهای استخباراتی توانستند در دسمبر سال ۱۹۸۲ اعتماد او را دست آورده او را به یک همپیمان خود مبدل سازند. بعداً به دستور نامبرده چهار مبارذمان در محلات نظامی گروه های رقیب در ولایات بلخ و جوزجان صورت گرفت.

در جهت خاتمه بخشیدن به فعالیتهای نامطلوب روحانیون و همچنان تشویق آنها به همکاری با دولت یک سلسله اقدامات و تدابیر پیچیده و درازمدتی طرح گردید. با وجود اینکه دولت موعظه های دینی در مساجد را تحت کنترل قرار داده بود با آنها موفقیتهای به دست آمده زیاد نبود. ولی با آنها این اقدامات باعث گردیده بود تا از جمله سی هزار تن از روحانیون به تعداد بالاتر از دو صد تن آنها با دولت بپیوندند.

فعالتهای توضیحی در میان مردم از طریق ارگانهای استخباراتی صورت میگرفت. کنفرانسهای مطبوعاتی با مجاهدین تصنعی و واقعی و گردهمایی هائی در حمایت از سیاستهای دولت دایر میگردد. نشریه ها و اوراق تبلیغاتی درباره چگونگی اصلاحات اقتصادی و کلتوری در کشور پخش میگردد.

ریزیدنسی و نماینده گی "ک.ج.ب." به این نظر بودند که ارگانهای امنیتی افغان ذریعه اقدامات ویژه شان توانسته اند وظایف شانرا به خوبی انجام دهند و در امر نورمال ساختن اوضاع کشور موفقیتهایی را به دست بیاورند. به نظر آنها ارگانهای امنیتی افغانستان براساس دستاورد های موجود در ساحات اجتماعی و اقتصادی به موفقیتهای سیاسی و نظامی نایل میگرددند.

در این هنگام دولت سرکوبگر افغانستان عملاً مورد حمایت کامل مالی شوروی قرار داشت. از طرف دیگر دولت افغانستان بار سنگین قروض را نیز حمل میکرد. میزان قروض داخلی دولت افغانستان از شانزده میلیون افغانی تجاوز میکرد که توسط شوروی تحت پوشش قرار گرفته بود. میزان قروض خارجی دولت افغانستان بالاتر از یکهزار و ششصد میلیون دالر معادل هشتصد هزار میلیون افغانی بود یعنی سه اعشاریه هفت برابر درآمد سالانه دولت افغانستان. چند مثال از کمکهای واقعی اقتصادی شوروی :

در جنوری سال ۱۹۷۹ امین مبلغ بیست میلیون روبل را برای فعالیتهای استخباراتی آگسا و قوای مسلح به دست آورد. خاد در سال ۱۹۸۰ مبلغ یک میلیون روبل را برای مقاصد ویژه، دو صد هزار روبل را برای کار با سایر ارگانهای امنیتی و بالاخره مبلغ یک میلیون و ششصد هزار روبل را برای کار با قبایل دریافت داشت. به علاوه اینها خاد در سال ۱۹۸۱ مبلغ دو صد و پنجاه میلیون روبل را برای پرداخت معاشات کارمندان و خریداری موتر برای منشیان کمیته های ولایتی به دست آورد.

کار ساختمان عمارتهای انستیتوت علوم اجتماعی و کمیته مرکزی "ح.د.خ.ا." نیز به طور کامل توسط کمکهای مالی شوروی اجرا گردید. ضمناً واحد های استخباراتی سرحدی بار اول مبلغ سی هزار و هشتصد روبل و بار دوم در سال ۱۹۸۳ مبلغ چهل هزار روبل را دریافت نمودند. به علاوه اینها نومیکنکلاتورا در سال ۱۹۸۰ پنج میلیون روبل، و متعاقباً در سالهای ۱۹۸۱ و ۱۹۸۲ ده میلیون روبل را برای معاشات دوازده هزار ملا در شهرها و سی و هشت هزار ملا در قریه جات پرداخت نمود. ضمناً مبلغ یک میلیون روبل دیگر برای رشوه دادن به ملاها و راضی نگهداشتن آنها [از دولت] تخصیص داده شد.

در سال ۱۹۸۱ افغانها اسلحه و مهمات را به ارزش یکصد و ده میلیون روبل دریافت کردند در حالیکه این رقم در نصف سالجاری به هفتاد میلیون روبل میرسد. ضروریات اضافی افغانستان در مجموع به هفتصد و چهل میلیون روبل بالغ میگردد که از این جمله دو صد و بیست و پنج میلیون برای اردوی افغانستان، یکصد و هشتاد میلیون در بخش زراعت و سه صد و شصت میلیون در بخش صنایع تخصیص داده شده بود.

واحد های "آبشار" مربوط "ک.ج.ب." به شکل موازی سرگرم اجرای عملیات نظامی [در افغانستان] بودند. به آنها قدرت و صلاحیتهای زیادی داده شده بود. وظایف آنها را اجرای فعالیتهای تروریستی، سبوتاژ، جلوگیری از فعالیتهای مجاهدین، ایجاد گروه های دفاع خودی استخدام اجنتها و فعالیت در میان قبایل تشکیل میداد. آنها دست به استخدام مخبرها، رهنما ها و اجنتها میزدند تا بتوانند ذریعه آنها معلومات درباره محلات اختفای شورشیان در شهر ها را به دست آورند.

"ک.ج.ب." از بسیاری جهات مبارزه آزدیخواهانه مجاهدین افغان را با جنبش بسمچی<sup>۱</sup> در اتحاد شوروی مقایسه میکرد. به همین دلیل مفکوره ای ایجاد گردید<sup>۱</sup> که از شیوه ها و تاکتیکهای که چیکا در مقابل بسمچی ها از آن استفاده نموده بود، در افغانستان نیز کار گرفته شود.

---

در دهه ۱۹۲۰ جنبش مقاومت شورشیان محلی در مناطق آسیای مرکزی توسط امپراطوری مسکو سرکوب گردید. مسکو این افراد را بسمچی مینامید. تعداد زیادی از این افراد به افغانستان فرار نمودند و از خاک افغانستان به عنوان یک پناهگاه - بقیه در صفحه بعد -

در نهم نوامبر سال ۱۹۸۰ ملاقاتی بین رهبران "ک. ج. ب."، اقامتگاه، نماینده گی "ک. ج. ب." در افغانستان، واحد های "آبشار"، ریزیدنسی "جی، آر، یو" و نماینده های استخبارات نظامی شوروی در جمهوری افغانستان برگزار گردید. موضوع مورد بحث این نشست را چگونگی فراهم ساختن و هماهنگ ساختن معلومات راجع به شورشیان و گروه های [ مخالف ] مخفی و همچنان بررسی شیوه های رزمی با آنها تشکیل میداد. برای تحلیل معلومات به دست آمده و همچنان فورمولبندی پیشنهادات و شکل ارائه این پیشنهادات به فرماندهی نظامی شوروی یک گروه مختلط مشتمل بر اعضای ریزیدنسی، نماینده های "ک. ج. ب."، نماینده های واحد های "آبشار" و نماینده های ریزیدنسی "ج. آر. یو"، ایجاد گردید.

ارگانهای "چکیست" وظیفه گرفتند تا برای قوای مسلح اجنت تربیه نمایند تا از آنها در بخش کشف محلاتیکه باید مورد بمباردمان قرار بگیرند و رهنما ها برای جذب شورشیان [ به دولت ] استفاده شود. اشخاصیکه در این جلسه حضور داشتند عبارت بودند از ب.س. ایوانوف از بخش استخبارات خارجی "ک. ج. ب." و رئیس "جی، آر، یو" و پ.ی. ایواشوتین و یکی از معاونین اسبق "ک. ج. ب."

در اوایل سال ۱۹۸۱ افسران اوپراتیفی واحد "آبشار" در ولایت هرات توانستند به واسطه اجنتها با رهبر یکی از گروه های ۲۵۰ نفری دشمن داخل تماس شوند. موصوف "شیر آغا چونگر" ۴۵ ساله، یک سنی مذهب تاجک بود. افسران مذکور بدون اسلحه بدیدار شیر آغا رفتند و او را تشویق نموده تا با دولت همکاری نموده و به مبارزه اش خاتمه بخشد.

چونگر با کوشش زیاد همه دساتیر "ک. ج. ب." را عملی نموده فعالانه تلاش نمود تا گروه های مقاومت را نابود سازد. او همچنان اقدامات ویژه ای را علیه رهبران گروه های شورشی انجام داد. او معلومات و اطلاعات را در اختیار قوای شوروی گذاشته و جواسیس و مخبران را رهنمایی مینمود. گروه تحت فرمان او خطوط مهم ارتباطی و ۴۸ قریه را تحت کنترول خود داشت. شیر آغا توسط همین وفاداری خود توانست اعتماد چیکا را به دست آورد که در نتیجه ۶۴۰ رزمنده دیگر نیز به گروه او شامل ساخته شد. از اپریل ۱۹۸۱ تا مارچ ۱۹۸۲ نامبرده در همکاری با واحد های "آبشار" در ۲۱ عملیات بزرگ نظامی حصه گرفته، ۴۱ کمین را به شکل مستقلانه اجرا نمود و ۳۱ فرمانده گروه های مخالف را نابود ساخت. در میان افراد نابود شده یکی هم "کمال گلپازانی" [ "کمال قلبه گزی" یکی از قومندانهای جمعیت اسلامی - ویراستار فارسی دری ] با دو تن از معاونینش و "کاوم ترکان" [ "قیوم ترکان" - ویراستار فارسی دری ] شخصیکه کلزینکو<sup>۲</sup> یکتن از مشاورین شوروی مربوط کمیته مرکزی "ح.ک.ا.ش" را اسپر گرفته بود، شامل بود. همچنان گروه چونگر فرمانده گروه "لاجورد" [ با وجود پرسش های مکرر هیچ یک از اهالی هرات که در همان زمان خود فعال مبارزاتی بودند، شناختی از گروه لاجورد نداشتند. برخی از کسانیکه از آنها پرسش به عمل آمد عقیده مند هستند که منظور "گروه انجنیر ها" می باشد که همزمان از طرف تمام جناح های

---

- ادامه پاورقی صفحه قبل - برای حمله به آسیای میانه شوروی استفاده میکردند. همچنان مراجعه شود به صفحه ۹۸۱

وابسته مورد حمله قرار گرفته ، اکثریت آنها قتل عام گردیدند. - ویراستار فارسی دری] در ولایت هرات از بین برده بود. در گذشته گروه "لاجورد" حملات متهورانۀ را علیه قوای شوروی در شهر هرات و اطراف آن اجرا مینمود. گروه چونگر با حمله گری در مجموع بیست هزار و پنجصد تن را به قتل رسانیده و هشتاد تن دیگر را دستگیر نمود. در مارچ ۱۹۸۱ به چونگر و دو تن از معاونین اش مبلغ سه صد هزار افغانی معادل چهار هزار و پنجصد روبل و متعاقباً در برج اپریل مبلغ یکصد و پنجاه هزار افغانی با یک میل تفنگچه ستیچکین همراه با هزار گلوله داده شد. همچنان موصوف در تابستان ۱۹۸۲ برای سیاحت به اتحاد شوروی فرستاده شد.

تعدادی از افسران شعبه هشتم ریاست (س) مربوط بخش استخبارات خارجی "ک. ج. ب." با شیرآغا یکجا کار میکردند. آنها عبارت بودند از و.س. زوراولیف، فرمانده واحد "آبشار" یو.م. کوزلوف، س.م. گرانکین، و.ی. زورالیف، پوتاپوف و سرمشاور نماینده گی "ک. ج. ب." در محل به اسم م.م. دینسکیویچ.<sup>۱</sup>

در سال ۱۹۸۲ روابط محرمانه با یکتعداد دیگر از قومندانان شورشی از قبیل "دیراوراز ایلدی" که یک باند ۱۸۰ نفری را در ولسوالی آچه ولایت جوزجان تحت فرمان داشت، "دیر عبدالله جان" در ولسوالی فایض همان ولایت، آق عبدالله خانی<sup>۲</sup> در البروز ولایت بلخ، برقرار ساخته شد. از قوای تحت فرمان این افراد همانند قوای چونگر استفاده بعمل آمد. همچنان با آقا محمد رحیم خان که باندش در ولسوالی قره باغ ولایت کابل فعالیت داشت نیز کار سیاسی صورت گرفته، تشویق گردید تا تسلیم شود. آقا محمد از مدت دوازده سال به اینسو بدون وقفه در زمان پادشاه، داوود، تره کی و امین مشغول رهنمی بود. نامبرده در اثر تحریک "ک. ج. ب." دوازده تن از اعضای گروه های اسلامی را از بین برده و بعداً خبر پیوستن خویش را با دولت از طریق رادیو اعلام نمود.

در سال ۱۹۸۳ ب.ن. و سکوبوینیکوف<sup>۳</sup> به حیث رئیس نمایندگی "ک. ج. ب." و تورنجرال ل.پ. کوسترومین به حیث معاونش تعیین گردید. چهار پُست اضافی برای افسران اوپراتیفی ایجاد گردید. این افسران به زبانهای پشتو و دری بلدیت داشته در ایران و پاکستان زنده گی نموده بودند. همچنان ا.و. انیکیف<sup>۴</sup> به حیث نماینده وزارت امور داخله اتحاد شوروی [ در افغانستان ] تعیین گردید.

"ک. ج. ب." به همان اندازه که دشمنانش را تحت نظر داشت دوستانش را نیز تحت نظارت داشت. ادامه دارد

---

V.S.Zhuravlev, Yu.m.Kozlov, S.M.Grankin, V.Ye.Zhuravlev, Potapov and M.M.Denskevich

در متن او عبدالله خانی. ( مترجم )

B.N.Voskoboinikov

A.V.Anikeev